

است، اما با مراجعه به چاپ قاهره، (۱۹۷۵ م) مطلبی در این زمینه یافت نشد.

مأخذ: ابن سکت، یعقوب بن اسحاق، اصلاح المنطق، به کوشش احمد محمد شاکر، قاهره، ۱۳۷۵ ق / ۱۹۵۶ م؛ ابن منظور، لسان: ابن ندیم، الفهرست؛ همو، همان، به کوشش فلوگل، لایبزیگ، ۱۸۷۱ م؛ ابو حیان غرناطی، محمد بن یوسف، تذکرة النحاة، به کوشش عقیف عبدالرحمن، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۲ م؛ ابوطیب لغوی، عبدالواحد بن علی، مراتب النحویین، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۵ ق / ۱۹۵۵ م؛ ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، به کوشش علی حسن هلالی، قاهره، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م؛ زنجاجی، عبدالرحمن بن اسحاق، مجالس العلماء، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، کویت، ۱۹۹۲ م؛ طاش کوری زاده، احمد بن مصطفی، مفتاح السعادة، بیروت، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م؛ قالی، اسماعیل بن قاسم، الامالی، بیروت، دارالکتب العلمیه؛ یاقوت، ادبای؛ نیز: GAS.

ابوئمامه صائدی، عمرو بن عبدالله بن کعب از شهدای کربلا (۶۱ ق / ۶۸۱ م). شیخ طوسی (ص ۷۷) نسبت او را انصاری آورده است (نیز نک: مامقانی، ۳۳۳/۲). دینوری (ص ۲۳۸) نام او را ابوئمامه صیداوی ضبط کرده که درست نمی‌نماید. در «زیارت ناحیه مقدسه» ابوئمامه، عمر بن عبدالله صائدی آمده است (مجلسی، ۷۳/۴۵). نسبت صائدی از نام یا لقب یکی از نیاکان او گرفته شده است (نک: طبری، ۳۶۴/۵؛ سماوی، ۶۹). وی از اصحاب امیرالمؤمنین علی (ع) بود و در همه جنگهای آن حضرت شرکت داشت؛ سپس به مصاحبت امام حسن درآمد و بعد از حرکت آن حضرت به مدینه، درکوفه ماند. پس از مرگ معاویه از جمله کسانی بود که به منظور دعوت امام حسین (ع) در خانه سلیمان بن صرد خزاعی در کوفه گرد آمدند و نامه‌ای به مکه فرستادند (مامقانی، همانجا).

او از فرسان عرب و از سرشناسان شیعه در کوفه بود و همو بود که به هنگام توقف مسلم بن عقیل در کوفه کمکهای مردم را دریافت و امور مالی را اداره می‌کرد، اسلحه می‌خرد و در این کار بصیرت داشت (طبری، ۳۶۴/۵). پس از آنکه هانی بن عروه کشته شد، مسلم بن عقیل کسانی را که با او بیعت کرده بودند، فراخواند و فرماندهی قبیله‌های تمیم و همدان را به ابوئمامه واگذار کرد (دینوری، همانجا). پس از شهادت مسلم بن عقیل، ابوئمامه مورد تعقیب ابن زیاد قرار گرفت و ناگزیر پنهان شد و سپس با نافع بن هلال مخفیانه از کوفه بیرون رفت و در راه مکه به کربلا به امام حسین (ع) پیوست و در خدمت آن حضرت به کربلا آمد (مامقانی، همانجا). همین ابوئمامه است که مانع شد تا کثیر بن عبدالله شعبی، قاصد ابن سعد، مسلحانه به حضور امام برسد و نیز هموست که روز عاشورا، به هنگام ظهر فرا رسیدن وقت نماز را متذکر شد و امام (ع) او را دعا کرد (طبری، ۴۱۰/۵، ۴۳۹). درباره کیفیت شهادت او اختلاف است. به نوشته طبری پس از شهادت حُزَین یزید ریاحی، ابوئمامه همچنان به نبرد ادامه داد تا به شهادت رسید (۴۴۱/۵).

مأخذ: دینوری، احمد بن داود، اخبار الطوال، به کوشش عبدالمنعم عامر و جمال الدین شیبال، بغداد، ۱۳۷۹ ق / ۱۹۵۹ م؛ سماوی، محمد بن طاهر، ابصار العین فی انصار

الحسین، قم، مکتبه بصیرتی؛ طبری، تاریخ طوسی، محمد بن حسن، رجال، نجف، ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۱ م؛ مامقانی، عبدالله بن حسن، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف، ۱۳۵۰ ق؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م. عبدالامیر سلیم

أبو الشَّاءِ مُحَمَّدُ الْوَسِي، نک: الوسی.

ابوئور، ابراهیم بن خالد بن ابی الیمان کلی (د ۲۴۰ ق / ۸۵۴ م)، فقیه بغدادی که خود مذهبی مستقل داشت. گفته شده که کتبه وی ابو عبدالله بوده است (مزی، ۸۱/۲). در برخی از منابع تولد او را در حدود ۱۷۰ ق / ۷۸۶ م دانسته‌اند (نک: ذهبی، ۷۳/۱۲، ۷۴). ابوئور در مجلس محدثان بزرگی چون سفیان بن عیینه، سعید بن منصور، اسماعیل بن عُلَیْه، وکیع بن جراح و عبدالرحمن بن مهدی به فراگیری حدیث پرداخت (ابن ابی حاتم، ۹۸/۱۱۱؛ مزی، همانجا) و نزد فقیهان بغداد از پیروان ابوحنیفه فقه آموخت (خطیب، ۶۷/۶ - ۶۸). به هنگام ورود شافعی به بغداد (۱۹۵ ق) وی در زمره ملازمان درس او درآمد و فقه قدیم شافعی را از او فرا گرفت (همانجا). ابوئور تا آنجا مورد احترام معاصران خود بود که فقهی چون احمد بن حنبل او را در کنار سفیان ثوری قرار داده و بنابر حکایتی، در پاسخ یک سؤال فقهی، پرسش کننده را به ابوئور احاله کرده است (همو، ۶۶/۶ - ۶۸؛ ابواسحاق شیرازی، ۱۰۱ - ۱۰۲).

در حدیث، کسانی چون نسایی، ابن حبان و خطیب بغدادی او را مورد وثوق شمرده‌اند و روایات وی در کتب معتبر حدیث چون سنن ابوداود و سنن ابن ماجه وارد شده است (نک: ابن حبان، ۷۴/۸؛ خطیب، ۶۵/۶ - ۶۶؛ مزی، ۸۰/۲). محدثان ناموری مانند ابوداود سجستانی، ابن ماجه قزوینی، ابوحاتم رازی و ابوالقاسم بغوی از او حدیث شنیده‌اند (نک: ابن ابی حاتم، همانجا؛ مزی، ۸۱/۲). با وجود جایگاه خاص ابوئور در حدیث، وی بیشتر به عنوان فقیه شهرت داشته است (عبادی، ۲۲). در میان کسانی که از او فقه آموخته‌اند، می‌توان از داوود بن علی اصفهانی بنیان‌گذار فقه طاهری، جنید بغدادی صوفی مشهور و عید بن خلف بزار یاد کرد (ابواسحاق شیرازی، ۱۰۲؛ سلمی، ۱۴۱؛ هجویری، ۱۶۱؛ ابن ندیم، ۲۶۵). ابوئور در دوران تحصیل خود با مذاهب گوناگون فقهی از اصحاب حدیث، اصحاب رأی و مذهب شافعی آشنایی یافت، اما خود صاحب مذهبی مستقل بود که از سویی به مذهب شافعی و از سوی دیگر به اصحاب حدیث نزدیک بود. وی یکی از ۴ راوی اصلی فقه قدیم شافعی به شمار می‌رود (نوی، ۲۰۰/۱۱) و در نقل از شافعی غرابی دارد که مورد توجه نویسندگان متأخر قرار گرفته است (مثلاً نک: عبادی، همانجا؛ ابن هیبر، ۶۰/۱؛ جد: سبکی، ۷۸/۲ - ۸۰). کتابی نیز در اختلافات بین مالک و شافعی تألیف کرده بوده که در آن ضمن بیان نظر گاه خود بیشتر به جانب شافعی گرایش داشته است (ابن عبدالبر، ۱۰۷). با اینهمه ابوئور در بسیاری از مسائل با شافعی همراه نبود و نظر مخالف